

اینکه جمهوری اسلامی دسترسی داشته باشد به مراکز مهم آمریکا در منطقه و هر وقت مقتضی دانست علیه آنها اقدام بکند، این حادثه‌ی کوچکی نیست، حادثه‌ی بزرگی است، در آینده هم این حادثه قابل تکرار است؛ در صورتی که تعرضی صورت بگیرد، هزینه‌ی دشمن و هزینه‌ی متعرض قطعاً هزینه‌ی بالایی خواهد بود.

۱۴۰۴/۰۴/۰۵

▼ حرف روز از جنگ ۶ روزه تا جنگ ۱۲ روزه

درک اشتباه رژیم صهیونی از شرایط ایران در جریان جنگ ۱۲ روزه، به‌ویژه بر پایه مقایسه‌ی سطحی با تجربیات گذشته‌اش از جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷، یکی از مهم‌ترین دلایل شکست محاسباتی آن بود. رهبران سیاسی و نظامی صهیونیست، تصور می‌کردند که می‌توانند با ایجاد یک شوک سریع، همان‌گونه که ارتش‌های عربی را در شش روز به عقب‌نشینی و فروپاشی کشاندند، ساختار تصمیم‌گیری و اراده دفاعی کشورمان را نیز تحت تأثیر قرار دهند. اما واقعیت نظامی و راهبردی ایران به کلی با آنچه در دهه ۶۰ میلادی در جهان عرب وجود داشت، متفاوت است. در جنگ شش‌روزه، کشورهای عربی نظیر مصر، اردن و سوریه، با وجود برخورداری از ارتش‌های بزرگ و تسلیحات قابل توجه، از ضعف‌های ساختاری شدیدی رنج می‌بردند. عدم هماهنگی بین ستادهای کل، اختلافات سیاسی میان رهبران عرب، اتکالی بیش‌ازحد به تسلیحات وارداتی، و مهم‌تر از همه، بی‌ثباتی سیاسی داخلی، باعث شد ارتش‌های آن زمان نتوانند در برابر حمله برق‌آسای رژیم صهیونی ایستادگی کنند. روحیه سربازان تضعیف‌شده، فرماندهی فاقد تجربه جنگ واقعی و نبود عمق استراتژیک، باعث شد جنگ حتی پیش از آنکه به یک درگیری تمام‌عیار زمینی تبدیل شود، به شکست تبدیل گردد. در مقابل، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه گذشته ساختاری متفاوت، چندلایه و ترکیبی از تجربه، فناوری و عقبه راهبردی ایجاد کرده‌اند. برخلاف ارتش‌های عربی که در جنگ شش‌روزه وابسته به تجهیزات غربی و شرقی بودند، ایران عمده توان نظامی خود را بومی‌سازی کرده است. از موشک‌های بالستیک گرفته تا سامانه‌های پدافند هوایی، جنگال، پهپادها و سامانه‌های اطلاعاتی - همگی حاصل سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و توسعه‌یافته درون کشورند که امکان بی‌نیاز شدن از کمک‌های خارجی را فراهم کرده‌اند. افزون بر این، نیروهای مسلح کشورمان از انسجام و تجربه عملیاتی بالایی برخوردارند. از دوران جنگ ایران و عراق تا مأموریت‌های فرماندهی در سال‌های اخیر، این نیروها تحت سخت‌ترین شرایط رزمی، توانسته‌اند خود را با تهدیدات پیچیده و ترکیبی تطبیق دهند. برخلاف فرماندهی‌های جزیرهای ارتش‌های عربی، ساختار فرماندهی نیروهای مسلح ایران، انعطاف‌پذیر، چابک و مبتنی بر تصمیم‌سازی اطلاعات محور است؛ چیزی که در فضای جنگ مدرن، تفاوت اصلی میان پیروزی و شکست را رقم می‌زند. ویژگی مهم دیگر ایران، انسجام نسبی میان جامعه و حاکمیت در مواجهه با تهدید خارجی است. در حالی که در جنگ شش‌روزه، اغلب کشورهای عربی که وارد جنگ با اسرائیل شدند از شکاف‌های عمیق داخلی و ضعف مشروعیت سیاسی رنج می‌بردند، ایران نشان داده است که در شرایط بحرانی، توان بسیج اجتماعی، انسجام رسانه‌ای و تاب‌آوری روانی در برابر جنگ ترکیبی را دارد. در مجموع، اشتباه محاسباتی رژیم صهیونی در مقایسه ایران امروز با ارتش‌های عربی دهه ۶۰ میلادی، نتیجه تحلیلی ناقص از تحولات ساختاری و راهبردی ایران است. ایران نه تنها از نظر نظامی و فناوری در سطح بالاتری قرار دارد، بلکه در سطح راهبردی نیز دارای عقلانیتی پیچیده و منعطف است که توانسته قدرت سخت و نرم را در هم بیامیزد و ساختاری مقاوم در برابر تهاجم مستقیم ایجاد کند.

[علیرضا سلیمانی نژاد]

▼ گزارش روز

کوپنی که نتانیاهو سوزاند

در مدت ۱۲ روز جنگ تحمیلی رژیم صهیونی علیه ایران، بیش از هفتصد نفر و به آمار ایران اینترنشنال، ۸۲۳ نفر از عوامل دشمن صهیونی دستگیر شدند. این بخشی از شبکه نفوذ دشمن بود که در این نبرد به سرعت شناسایی و دستگیر شدند. بخش دیگر این اقدام ددمنشانه، همراهی و انسجام سرویس‌های اطلاعاتی - یا بهتر است بگوییم سرویس‌های جاسوسی - غرب بوده است که البته یک پروژه پیچیده و زمان‌بر است. اقدام دیگر، ورود حجم زیادی پهپاد، ریزپرنده و مهمات به داخل کشور و سازمان‌دهی عوامل پیاده‌نظام است؛ که این اقدام نیز قطعاً در دو سه ماه و حتی یک سال اخیر شکل نگرفته، بلکه حاصل فعالیت مستمر دشمن بوده است. از سال ۷۸، جمهوری اسلامی ایران در مقاطع مختلف شاهد ایجاد فتنه‌های گوناگون بوده است که هربار، پیاده‌نظام‌های دشمن رُخی نشان داده و پس از عدم همراهی مردم با آن‌ها و عدم موفقیت در اهداف نهایی، یا دستگیر شده یا پراکنده شده‌اند. به نظر می‌رسد که دشمن در این مقطع تصور کرده بود که اکنون شرایط برای فعال کردن همه پتانسیل شورشی خود که در این سال‌ها در فتنه‌های مختلف تمرین کرده بودند، فراهم است تا در چنین روزی بتوانند حلقه‌های آشوب را فعال کنند؛ که البته با وجود مشقات جنگ، همبستگی ملی باز هم باسطان را به هم زد. چهره‌هایی به حمایت از نظام و رهبری و کشور پرداختند که قبلاً کمتر علاقه خود را به ارزش‌ها اظهار کرده بودند. این جنگ صرفاً یک جنگ نظامی نبود، بلکه جنگ تکنولوژی‌های پیشرفته علیه توانمندی‌های ایران بود که البته عنصر غافلگیری در ابتدا ضرباتی را به کشور وارد کرد؛ اما اقدامات بعدی جمهوری اسلامی ورق را برگرداند. کارشناس الجزیره چنین عنوان می‌کند که حجم سانسور اسرائیل در جنگ با ایران از جنگ سال ۱۹۷۳ بی‌سابقه بوده است. بیش از ۳۰ مرکز حیاتی رژیم منهدم شد. حجم خسارات به‌گونه‌ای بود که هنوز هیچ‌یک از اهداف دشمن محقق نشده بود که درخواست آتش‌بس توسط او مطرح می‌شود. به نظر می‌رسد اتفاقات صورت‌گرفته، حاصل برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری دشمن در سال‌های گذشته بوده است. چنان‌که نمایان است، دشمن از این طرح ترکیبی خود به‌عنوان ابزاری برای براندازی یا انزوای حداکثری نظام سرمایه‌گذاری کرده بود؛ مانند یک بمب بزرگ که برای روز مبادا آماده شده تا در فرصت مقتضی ضربه کاری وارد کند. اما این طراحی ترکیبی دشمن، هدف مورد انتظار را برآورده نکرد و سرمایه‌ای که دشمن در سالیان گذشته تدارک دیده بود، توسط نتانیاهو هدر رفت. از این رو، دشمن تلاش دارد اولاً دست‌اندرسازی کند و چنین وانمود کند که هسته‌ای ایران را ساقط کرده است؛ دوم آنکه بخواهد در آینده، همانند جنایات سابقش، دست به اقدامات خرابکارانه بزند؛ که البته با هوشیاری نیروهای نظامی و امنیتی، این کار برای دشمن به‌راحتی ممکن نخواهد بود.

[محمد حکیمی]

توهم تجزیه ایران

▼ خبر ویژه

وبگاه تحلیلی آمریکایی «ریسپانسیبل استیت‌کرفت» در گزارشی تحلیلی تأکید کرد: «سیاست خارجی واشنگتن تمایل خطرناکی به تجزیه کشورهای دارد که آن‌ها را دشمن خود می‌داند.» این وبگاه با اشاره به اقدامات برخی محافل نومحافظه‌کار آمریکایی و اروپایی نوشت: «اندیشکده‌هایی مانند بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) و همفکران‌شان در پارلمان اروپا، آشکارا در حال ترویج بالکانیزه کردن ایران هستند؛ راهبردی بی‌پروا که خاورمیانه را بی‌ثبات، بحران‌های انسانی ایجاد و با مقاومت ایرانیان مواجه خواهد شد.» در این گزارش آمده است: «برندا شفر، سال‌ها برای تجزیه ایران بر اساس خطوط قومی، مشابه فروپاشی یوگسلاوی، تلاش کرده است.» این دیدگاه‌ها همسو با سرمقاله اخیر روزنامه جرورال‌پست است که از ترامپ خواسته بود «تجزیه ایران را به‌طور علنی بپذیرد.» ریسپانسیبل استیت‌کرفت در ادامه نوشت: «ایران یک کشور شکننده و چندپاره نیست، بلکه یک ملت ۹۰ میلیونی با هویت تاریخی و فرهنگی عمیق است. سیاست در ایران از ایده تاریخی ملت ایران آغاز می‌شود.» این پایگاه خبری در پایان هشدار داد: «غرب به جای غرق شدن در توهمات تجزیه‌طلبانه، باید تعامل عمل‌گرایانه با ایران را در پیش بگیرد.»

قدرت موشکی و دفاعی ایران، رمز پیروزی در جنگ اخیر

«محمد عطریانفر» عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی، با اشاره به اتحاد و انسجام ملی در واکنش به جنگ اخیر، گفت: «جامعه سیاسی ایران به صف دفاع از تمامیت ارضی پیوست و هویتی یکپارچه نشان داد.» وی افزود: «اگرچه خسارات سنگینی متحمل شدیم و فرماندهان و دانشمندان ارزشمندی را از دست دادیم، اما ثابت کردیم که قدرت هژمونیک آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه، اگر شکست نخورده باشد، با تولد رقیبی نیرومند به نام ایران مواجه شده است.» عطریانفر با اشاره به تاکید رهبر معظم انقلاب، اظهار داشت: «باید شکرگزار ملتی باشیم که با انسجام خود پشت نیروهای مسلح ایستادند و آرامش جامعه را حفظ کردند.» و ادامه داد: «در حادثه اخیر، هرچند مردم گلایه‌مند بودند، اما این گلایه‌ها را کنار گذاشته و به انسجام رسیدند.» عضو حزب کارگزاران همچنین درباره عملکرد نیروهای مسلح گفت: «در بخش آفندی و حملات موشکی بسیار موفق عمل کردیم و توانمندی‌های بومی کشور را به نمایش گذاشتیم.» عطریانفر تاکید کرد: «جنگ نشان داد که ایران هیچ‌گاه آغازگر نبوده و همواره در برابر تجاوز دفاع کرده است.» وی در پایان افزود: «غرب به سرعت دریافت این روند به نفعش نیست و زمینه‌ای برای آتش‌بس فراهم کرد.»

بمب‌های سنگر شکن هم حریف ایران نشدند

«آلکسی آنپی لوگوف» کارشناس هسته‌ای روس، با استناد به شواهد فنی تاکید کرد: «حملات اخیر آمریکا به تاسیسات هسته‌ای ایران اثربخشی محدودی داشته‌اند.» وی افزود: «ذخایر اورانیوم ایران همچنان قابل توجه است؛ شامل حدود ۳ تن اورانیوم غنی‌شده تا ۲ درصد، بیش از ۳٫۵ تن تا ۵ درصد و صدها کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده تا ۲۰ و حتی ۶۰ درصد.» آنپی لوگوف ادامه داد: «عدم مشاهده نشت تشعشعات یا گازهای سمی نشان می‌دهد که حملات به مخازن اصلی زیرزمینی نرسیده‌اند.» وی همچنین گفت: «تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهند که گودال ایجادشده در نزدیکی سایت نظنژ تنها در عرض دو روز پر شده است. این نشان می‌دهد آسیب‌ها سطحی و قابل ترمیم بوده‌اند.» و درباره قدرت نفوذ بمب‌های سنگر شکن «۵۷GBU» آمریکایی توضیح داد: «۵۷GBU در خاک نرم تا ۶۰ متر نفوذ می‌کند، اما تاسیسات ایران در بستر سنگی قرار دارند که این نفوذ را به ۲٫۵ تا ۱۸ متر محدود می‌سازد.» آنپی لوگوف در پایان تصریح کرد: «به نظر می‌رسد توانایی غنی‌سازی ایران تضعیف نشده و برنامه هسته‌ای این کشور عمده‌تاً دست‌نخورده باقی مانده است.»

وقتی مسلمان بودن در آمریکا جرم است!

«زهران ممدانی» نامزد مسلمان انتخابات شهرداری نیویورک، با پیروزی غیرمنتظره‌اش در دور نخست مقدماتی حزب دموکرات، بار دیگر موضوع اسلام‌هراسی در آمریکا را به کانون توجه کشید. واکنش‌های تند و متعصبانه جناح جمهوری خواه و برخی دموکرات‌ها نشان‌دهنده وخامت وضعیت اسلام‌هراسی در این کشور است. ممدانی با اشاره به حملات همه جانبه از سوی سیاستمداران آمریکایی به خود گفت: «این ماجرا فشار سنگینی دارد. پیام‌هایی دریافت می‌کنم که می‌گویند: «تنها مسلمان خوب، مسلمان مرده است.» «مهدی حسن» روزنامه‌نگار معروف مسلمان نیز در واکنش به این موضوع گفت: «اسلام‌هراس‌ها، من یک مسلمان مفتخر هستم و قصد ندارم جایی بروم» حمله‌های تند به ممدانی از جمله اظهارات نمایندگان کنگره همچون «اندی اوگلز» که خواستار اخراج او شده، و سناتور دموکراتی که به او اتهام «جهاد جهانی» زد، نشان می‌دهد که اسلام‌هراسی در آمریکا یک بحران جدی و همه‌جانبه است. ممدانی همچنین گفت: «مسلمانان نباید در سایه زندگی کنند. این وضعیت شایسته نیویورک و آمریکا نیست. ما تازه در آغاز راه هستیم.»

شکست تمام عیار!

روزنامه عبری‌زبان «هاآرتز» گزارش داد: «رژیم اسرائیل در جنگ اخیر علیه ایران به اهدافش دست نیافته است.» این رسانه ادامه داد: «هدف اصلی بنیامین نتانیاهو نابودی برنامه هسته‌ای ایران و تهدید وجودی آن بود، اما تهران همچنان مقادیری اورانیوم غنی‌شده تا ۶۰ درصد دارد.» این روزنامه افزود: «هدف دوم نابودی برنامه موشکی بالستیک ایران بود که محقق نشد، و تنها درصد کمی از برخی سکوی‌های پرتاب آسیب دیده‌اند. همچنین ایران همچنان صدها موشک بالستیک و سکوی‌های پرتاب دارد.» هاآرتز تصریح کرد: «تلاش‌ها برای محدود کردن حمایت مالی ایران از گروه‌های مقاومت ناموفق بود و هیچ مانعی بر سر راه حمایت‌های تهران قرار نگرفته است.» در پایان، هاآرتز نوشت: «اسرائیل فریب رسانه‌ای درباره خسارات ایران را راه انداخت، اما حقیقت این است که اسرائیل بسیار خسته است و دونالد ترامپ بارها بر این خستگی تأکید کرده است.»

«محمد رضا تاجیک» تنوریسین اصلاح‌طلب، آتش‌بس میان ایران و رژیم صهیونی را «نوعی جنگ خاموش» توصیف کرد و گفت: «آتش‌بس، حکم عقل راهبردی شنیدن صدای پای جنگی است که خاموش می‌آید.» تاجیک همچنین درباره انسجام شکل گرفته در جامعه گفت: «ما شاهد باشکوه‌ترین و زیباترین روح جمعی ایرانی بودیم؛ روحی که از فارس و ترک و عرب و کرد و بلوچ، یک "ما"ی ایرانی ساخت.»

یک منبع مطلع ایرانی به رسانه روسی «راشاتودی» گفت: «در صورت تکرار تجاوز رژیم صهیونیستی به حاکمیت ملی ایران، جنگ بعدی آخرین جنگ اسرائیل خواهد بود.» وی افزود: «تهران نقاط ضعف دشمن را شناخته و آماده پاسخ سخت است.» این منبع همچنین تصریح کرد: «ایران از حمایت بی‌سابقه مردم داخل و خارج کشور برخوردار است و آماده مقابله با هرگونه مداخله آمریکا برای حمایت از اسرائیل است.» و در پایان گفت: «ایران ده‌ها هزار موشک پیشرفته دارد و در درگیری احتمالی روزانه صدها موشک شلیک خواهد کرد.»

«ستار هاشمی» وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، از برنامه‌ریزی‌های گسترده و دقیق در حوزه امنیت سایبری خبر داد. او در واکنش به ترور دانشمندان ایرانی توسط رژیم صهیونی تأکید کرد: «شهادت این بزرگان نه تنها مانع پیشرفت علمی نمی‌شود، بلکه موجب رشد نسل جوان تربیت‌شده توسط آنها خواهد شد.» هاشمی همچنین درباره اختلالات اخیر اینترنت گفت: «این اختلالات ناشی از حملات خارجی است و مراجع امنیتی در حال بررسی آن هستند.» وی افزود: «تیم وزارت ارتباطات به صورت شبانه‌روزی تلاش می‌کند تا نگرانی‌های مردم و کسب‌وکارها را رفع کند.» وزیر ارتباطات درباره برنامه‌های امنیت سایبری نیز بیان کرد: «فعلاً به دلیل ملاحظات امنیتی از بیان جزئیات خودداری می‌کنیم اما برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای در جریان است.»

«مکس بلومنتال» روزنامه‌نگار آمریکایی، با اشاره به نقش رژیم صهیونی در سوق دادن ترامپ به سوی حمله به ایران، تصریح کرد: «اسرائیل حلقه داخلی ترامپ را کاملاً در اختیار داشت.» وی افزود: «ترامپ اطلاعات نادرست درباره برنامه هسته‌ای ایران را از طریق جان راتکلیف، سوزی وایلز و ژنرال کوریل دریافت می‌کرد.» و در ادامه گفت: «راتکلیف مثل منشی موساد عمل می‌کرد و هرچه از موساد می‌شنید، عیناً به ترامپ منتقل می‌کرد؛ حتی ادعاهایی چون ارسال کلاهک هسته‌ای ایران به یمن.» بلومنتال همچنین اظهار داشت: «سوزی وایلز که بعدها برای نتانیاهو کار کرد، ارتباط ترامپ را محدود به افراد وابسته به اسرائیل می‌کرد.» وی درباره ژنرال کوریل نیز گفت: «و ژنرال محبوب اسرائیل بود.» بلومنتال در پایان هشدار داد: «ترامپ ساده‌لوحانه تصور می‌کرد حمله به ایران ضربه‌ای یک‌باره و بی‌هزینه خواهد بود.»

«رویترز» به نقل از مقام‌های آمریکایی گزارش داد: «ایران در ماه گذشته مقدمات مین‌گذاری در تنگه هرمز را فراهم کرده است.» این مقام‌ها که نامشان فاش نشده، افزودند: «هنوز هیچ مینی در تنگه کار گذاشته نشده، اما آماده‌سازی‌ها پس از حمله اسرائیل آغاز شد.» به گفته این منابع، «این اقدامات حاکی از جدیت ایران برای بستن تنگه هرمز می‌باشد.»